مجله‌ی علمی‌پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال دوم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

ترجمه‌ی ادبیات کودکان: بررسی ترجمه‌ی اسامی خاص شخصیت‌ها به طور ویژه

پروانه معاذالهی*
دانشگاه ولی‌عصر(عج) رفسنجان

چکیده

مقاله‌ی حاضر بر آن است تا در گام نخست، تفاوت‌های بین ادبیات کودکان و بزرگسالان را از منظر روش‌های ترجمه مشخص کند و سپس به رویکردهای ترجمه‌ی اسامی خاص شخصیت‌ها در ادبیات کودکان بپردازد. بخشی از ترجمه‌های فارسی «قصه‌های پریان»، اثر هانس کریستن اندرسون به عنوان نمونه‌ای از ادبیات کودکان تک‌وجهی و بخش‌هایی از داستان‌های بلندی مانند «دیوید کاپرفیلد» اثر چارلز دیکنز و «ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب» از لوییس کارول به عنوان نمونه‌هایی از ادبیات کودکان چندوجهی مورد بررسی و مقایسه با روش‌های رایج در ترجمه‌ی ادبیات کودکان قرار می‌گیرند. از نتایج مطالعه‌ی حاضر چنین برمی‌آید که ادبیات کودکان به ویژه ادبیات کودکان تک‌وجهی به لحاظ ماهیت حاشیه‌ای در نظام چندگانه‌ی ادبی بیش‌تر مورد اقتباس مترجمان قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که کاربرد این شیوه‌ها در ترجمه‌ی ادبیات بزرگسالان پسندیده نیست. درحقیقت، ادبیات کودکان در مقایسه با ادبیات بزرگسالان بیش‌تر بومی‌سازی می‌شود. علاوه‌براین، می‌توان ده روش متفاوت در ترجمه‌ی اسامی خاص شخصیت‌های ادبیات کودکان به‌کار برد که از این قرارند: بازآفرینی، بازآفرینی و اضافه کردن توضیحات به متن، جایگزینی اسم خاص مبدأ با نامی عام در زبان مقصد، انطباق اسم خاص با قواعد واجی‌آوایی زبان مقصد، جایگزینی اسم خاص با نامی آشناتر از زبان مبدأ و یا نامی با عملکرد یکسان و آشنا برای ملل متفاوت، حذف کردن، معادل‌یابی، جایگزینی اسم مبدأ با نامی در زبان مقصد که معنای ضمنی متفاوتی دارد، جایگزینی اسم خاص با نامی دیگر از زبان مقصد (جانشینی)، جایگزینی اسم خاص با اسم خاص معادل آن در زبان مقصد. این رویکردهای ترجمه بر حفظ نقش اسامی خاص متن مبدأ نقش بسزایی دارند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات بزرگسالان، ادبیات کودکان، اسامی خاص، اقتباس، ترجمه.

---

* مربی مترجمی زبان انگلیسی maazallahie@mail.vru.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/٤ تاریخ پذیرش مقاله:۹۰/۱۱/۸

Archive of SID
www.SID.ir

۱. مقدمه

۱. ۱. تعریف و ویژگیهای ادبیات کودکان

یکی از ویژگیهای منحصر به فرد ادبیات کودکان، دشواری تعریف این ادبیات به لحاظ غیبت کموبیش کودکان در نگارش، ویرایش، چاپ، خریدوفروش و در برخی موارد خوانش آن قلمداد میشود. اما بهطورکلی ادبیاتی که منحصراً برای کودکان نگاشته شود یا کودکان آن را بخوانند، ادبیات کودکان پنداشته میشود. یکی از ویژگیهای متمایزکننده ادبیات کودکان از ادبیات بزرگسالان این است که این ادبیات مستقیماً گروه خاصی از کودکان را مورد خطاب قرار میدهد. درحالیکه، ادبیات بزرگسالان به طور خاص یا مستقیم برای گروه خاصی از مخاطبان نوشته نمیشود بلکه میتواند گسترهی وسیعی از مخاطبان را جذب خود کند. علاوهبراین، ادبیات کودکان و بزرگسالان در پیشینهی ادبی نیز تفاوتهای قابل ملاحظهای با هم دارند، بهطوریکه ادبیات کودکان در اصل برای اهداف آموزشی نگاشته میشد و در حاشیه قرار داشت و این واقعیت در مرحلهی اول بر پذیرش عمومی این ادبیات و سپس بر ترجمهی آن تأثیرگذار بود. شویت[1] در نظریهی نظام چندگانه به این مطلب اینگونه پرداخته است: «ادبیات کودکان در قیاس با ادبیات بزرگسالان، به طور سنتی در نظام ادبی زبانهای گوناگون از جایگاهی مرکزی برخوردار نبوده است و دلیل اصلی این مسأله، سادگی ظاهری آن است. درنتیجه، جایگاه این ادبیات بهطورکلی در فرهنگ و بهطورخاص در نظام چندگانهی ادبی یک جامعه فروتر از ادبیات بزرگسالان بوده است؛ تا حدی که قسمت اعظم ادبیات کودکان در میراث فرهنگی و تاریخی جوامع در نظر گرفته نشده است» (شویت، ۱۹۸۶: ۷۳).

ویژگیهای متنی، از جمله تفاوتهای دیگر بین این دو ادبیات هستند؛ بهطوریکه ادبیات بزرگسالان، در نگارش پیچیدگی بیشتری دارد. به عنوان مثال در ادبیات بزرگسالان، پیرنگ و سایر بخشها، لزوماً از سادهترین به مشکلترین سازماندهی نشدهاند و علاوهبراین، کاربرد حداقل ساختار برای حداکثر معنا بسیار رایج میباشد؛ درحالیکه در ادبیات کودکان چنین نیست. تفاوتهای بین ادبیات بزرگسالان و کودکان از نظر شویت عبارتند از: «تفاوت در ژانر (رمان در برابر داستان کوتاه)، تفاوت

[1] Shavit

www.SID.ir

در شخصیت‌ها و شخصیت‌پردازی (دو دوست در برابر یک پدر و پسر)، تفاوت در موضع‌گیری نویسنده (نامشخص در برابر واضح و روشن) و تفاوت در پایان (پایان آزاد در برابر پایان خوش)» (همان، ۷۵–۷۸)

مترجمان با توجه به چنین دیدگاهی درباره‌ی این حوزه‌ی ادبی، رویکردهای خاصی داشته‌اند. جانب مترجمان نیز شده است. پیش از برشمردن انواع روش‌های ترجمه در ادبیات کودک باید به تفاوت تمایز بین متون چندوجهی و تک‌وجهی اشاره کرد. به گفته‌ی شویت، نخستین بار این تمایز را لات من[1] معرفی کرد. منظور وی از متون چندوجهی، «متونی است که دوره‌های ادبی متفاوتی را پشت سر نهاده و در هر یک نقشی متفاوت داشته‌اند و در نتیجه، در هر دوره‌ای به روش‌های متفاوتی خوانده شده‌اند. *سفرهای گالیور* اثر سویفت، از جمله نمونه‌های ادبیات چندوجهی قلمداد می‌شود؛ زیرا این کتاب در ابتدا، به عنوان اثری در هجو شرایط سیاسی اجتماعی زمان خود خوانده می‌شد، درحالی‌که اکنون صرفاً داستانی سرگرم‌کننده قلمداد می‌شود. علاوه بر این، آن دسته از متونی که در بستر تاریخ از جایگاه حاشیه‌ای ادبیات کودکان به جایگاه مرکزی سوق داده شده‌اند، نیز از این جمله‌اند. رمان‌های چارلز دیکنز نمونه‌هایی خوب از این دست هستند. در نهایت، متونی که به طور هم‌زمان از جانب خوانندگان متفاوت به روش‌های متفاوتی خوانده شوند نیز در زمره‌ی متون چندوجهی قرار می‌گیرند. *ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب* اثر لوویس کارول[2] از این جمله است؛ چون می‌توان این اثر را هم‌زمان از منظر یک منتقد ادبی، یک زبان‌شناس، یک جامعه‌شناس و یک خواننده‌ی عادی خواند و لذت برد» (ر.ک. همان، ۷۶–۷۸). اما شویت مفهوم چندوجهی‌بودن متون را صرفاً درباره‌ی متونی به‌کار می‌برد که به‌طور هم‌زمان دو گروه متفاوت از خوانندگان را با هنجارها و انتظارات ادبی متفاوت به خود جذب می‌کند. برخلاف متون چندوجهی، متون تک‌وجهی صرفاً گروه خاصی را مورد خطاب قرار می‌دهند. به‌طورکلی متون چندوجهی برای مترجمان چالش‌برانگیزتر است و روش‌های متفاوتی را نیز اقتضا می‌کنند.

[1] Lotman
[2] Lewis Carroll

www.SID.ir

۲. روش‌های ترجمه‌ی ادبیات کودکان

۲-۱. ریتا اویتن: دگرگونی شکلی و اقتباس

اویتن[1] «دگرگونی شکلی و اقتباس را به عنوان دو روش غالب در ترجمه‌ی ادبیات کودکان نام می‌برد» (اویتن، ۲۰۰۰: ۱۰۸). در رویکرد دگرگونی شکلی، متن از نظر فرم تغییر می‌کند؛ برای نمونه، داستان بلند تبدیل به داستانی کوتاه می‌شود. در اقتباس که بیش‌تر برای تعلیمی‌ساختن ادبیات کودکان به‌کار گرفته می‌شده است، مترجم، متن مبدأ را چنان با معیارهای فرهنگی، اجتماعی و زبانی زبان مقصد وفق می‌دهد که متن هنگام ترجمه تغییر ماهیت می‌دهد. درحالی‌که بسیاری از نظریه‌پردازان برجسته ترجمه‌ی مانند ونوتی[2] بومی‌سازی[3] در ترجمه را مردود می‌دانند و از بیگانه‌سازی[4] به شدت حمایت می‌کنند، بسیاری بر این اعتقاد هستند که اقتباس به عنوان ابزار بومی‌سازی در ترجمه ادبیات کودکان به لحاظ ماهیت فروتر ادبی آن ضروری می‌باشد (ونوتی، ۱۹۹۵: ۵۹) و در مقابل اویتن معتقد است که تمامی ترجمه‌ها صرف‌نظر از ماهیت ادبی متن مبدأ کم‌وبیش به اقتباس گرایش دارند (اویتن، ۲۰۰۰: ۸۴).

بسیاری اقتباس را روشی پسندیده در ترجمه‌ی ادبیات کودکان می‌دانند؛ از همین‌رو، برای آن، شأن ادبی والایی در نظر نمی‌گیرند، اما اویتن بر این باور است که تمامی ترجمه‌ها کم‌وبیش، بنا بر هدف مترجم از اقتباس تأثیر می‌پذیرند و از آن‌جا که نویسنده‌ی ادبیات کودکان مخاطبان خود را، که از نظر اویتن ابرمخاطبان هستند، در نگارش متن مبدأ در نظر داشته است؛ هرگونه اقتباس در ترجمه‌ی ادبیات کودکان اگر برای منافع آن‌ها باشد و تنها برای تعلیم مباحثی خاص نباشد پسندیده و مناسب است. از نظر اویتن ادبیات تعلیمی از لحاظ ادبی غنی نیست اما ادبیات غنی به‌خودی‌خود تعلیمی نیز هست. گفتنی است که با دید تاریخی، اقتباس در ترجمه‌ی ادبیات کودکان در جهت علاقه‌مندی‌ها و منافع کودکان نیست، بلکه با هدف تعلیم مفاهیمی خاص صورت می‌گرفته است (همان، ۸۴).

---

[1] Ritta Oitten
[2] Venuti
[3] Domestication
[4] Foreignizatio

www.SID.ir

۲-۲. شویت: خلاصه کردن، بسط دادن، تغییر دادن، حذف یا افزودن

به باور شویت «مترجمان ادبیات کودکان به لحاظ جایگاه حاشیه‌ای این ادبیات در نظام چندگانه ادبی برخلاف مترجمان ادبیات بزرگ‌سالان در ترجمه متن مبدأ آزادی عمل گسترده‌ای دارند؛ به سخن دیگر، مترجم مجاز است با تغییر دادن، بسط دادن، خلاصه کردن، حذف یا افزودن متن مبدأ را دچار تغییر نماید» (شویت، ۱۹۸۶: ۶۹). چنین رویکردهایی، زمانی در ترجمه‌ی ادبیات بزرگ‌سالان مرسوم بوده‌اند؛ امّا مدّت‌ها پس از آن‌که در ترجمه‌ی این دسته متون منسوخ شده‌اند، همچنان در ترجمه‌ی ادبیات کودکان به‌کار می‌روند، اگرچه مورد تأیید همگان نیستند. افزون‌براین از نظر شویت کاربرد این رویکردها در صورتی درست است که مترجم به دو اصل زیر پایبند باشد: نخست این‌که تغییر متن مبدأ به گونه‌ای باشد که جامعه‌ی مقصد در مقطع زمانی خاصی آن را برای کودکان مناسب بداند و دیگر این است که تغییر شخصیت‌پردازی، زبان و پیرنگ بر اساس سطح دانش و توانایی‌های خوانش کودکان زبان مقصد صورت گرفته باشد.

۲-۳. کلینبرگ[1]

افزودن، شرح‌دادن، حذف‌نمودن، بیگانه‌سازی، اقتباس بافت فرهنگی متن مبدأ، تصفیه و به‌روزرسانی. کلینبرگ اقتباس‌های صورت گرفته در ترجمه‌ی ادبیات کودکان را به دسته‌های زیر طبقه‌بندی کرده است:

۲-۳-۱. افزودن

در این روش، مترجم اطلاعاتی به متن مقصد می‌افزاید که در متن مبدأ معادلی ندارند. مثال زیر نمونه‌ای از این رویکرد است:

"Now make yourself at home, and if you can find an eel's head, you can bring it to me." (Ugly Duckling: Andersen)

این جا را مثل خانه خودتان بدانید و به راحتی زندگی کنید ولی جوجه اردک زشت را مثل آن کلّه‌ی مارماهی که بر سر آن دعوا بود، به من واگذار کنید. من می‌دانم با او چکار باید بکنم تا از این‌جا برود. (جوجه اردک زشت، مترجم: بهمن رستم‌آبادی)

[1] Klinbeg

www.SID.ir

۲-۳-۲. حذف کردن

در این روش همان‌گونه که از مثال زیر پیداست، مترجم اطلاعاتی را از متن مبدأ می‌کاهد:

There were princesses enough, but it was difficult to find out whether they were real ones. There was always something about them that was not as it should be. So he came home again and was sad, for he would have liked very much to have a real princess. (The Princess and the Pea: Hans Christian Andersen)

تمام شاهزاده خانم‌ها را دید، ولی هیچ یک از آن‌ها بی عیب نبودند. دست از پا درازتر به کشور و کاخ پدرش برگشت. بسیار غصه‌دار شده بود (شاهزاده خانمی روی لوبیا، مترجم: بهمن رستم‌آبادی).

۲-۳-۳. شرح دادن

در این رویکرد، مترجم معانی نهفته در متن مبدأ را برای خوانندهی مقصد به شکل شفّاف و روشن بیان می‌کند؛ به سخن دیگر شفّاف‌سازی می‌کند. در مثال زیر مترجم توضیحات مورد نظر خود را در پاورقی می‌آورد:

I took the opportunity of asking if she was at all acquainted with Mr. Brooks of Sheffield, but she answered No, only she supposed he must be a manufacturer in the knife and fork way. (David Copperfield: Charles Dickens)

فرصت را غنیمت شمردم و پرسیدم آقای بروکس آو شفیلد* را می‌شناسید؟ جواب داد نه. ولی عاقبت گفت تصور می‌کند چنین اسمی متعلق به رئیس یکی از کارخانه‌های کارد و چنگال‌سازی باشد. (دیوید کاپرفیلد، مترجم: مسعود رجب‌نیا). * شهر شفیلد در ساختن کارد و چنگال شهرت جهانی دارد. م.

۲-۳-۴. بیگانه‌سازی

در این‌جا مترجم با انتقال کلمات مربوط به اسامی افراد، مکان‌ها و یا حتّی سال از متن مبدأ به متن مقصد مؤلّفه‌های بیگانه‌ی متن را حفظ می‌نماید.

five thousand buy'If I go into a cheesemonger's shop, and penny each, present double-Gloucester cheeses at fourpence-half payment'. (David Copperfield: Charles Dick)

Archive of SID

www.SID.ir

«اگر من به دکان بقالی بروم و مقدار دابل گلاستر پنیر از قرار هر دابل گلاستر چهار پنی نقد خرید کنم» (دیوید کاپرفید، مترجم: مسعود رجب‌نیا).

۲-۳-۵. اقتباس بافت فرهنگی متن مبدأ

در این رویکرد مترجم اسامی مربوط به شخصیت‌ها، مکان‌های جغرافیایی، مقیاس‌های اندازه‌گیری متن مبدأ را برای کودکان توضیح می‌دهد.

'Only Brooks of Sheffield,' said Mr. Murdstone. (David Copperfield: Charles Dickens)

آقای مردسون گفت: «آقای بروکس آوشفیلد» (دیوید کاپرفیلد، مترجم: مسعود رجب‌نیا). به معنی نهرهای شفیلد است که نام شهری است در انگلیس.- *Brooks of Shefield*

۲-۳-۶. تصفیه

مترجم در این رویکرد با حذف و اضافه‌کردن کلماتی خاص از متن مبدأ، به سانسور مفاهیم ایدئولوژیک، اجتماعی و مذهبی متن مبدأ دست می‌زند. حذف صحنه‌های خشن و ترسناک متن نیز شامل این رویکرد می‌شود.

"Poor little thing!" said the poet, and took him by hand. "Come to me; I will soon warm you. You shall have some wine and an apple, for you are such a pretty boy." (The Saucy Boy: Hans Christian Andersen)

بعد او را بغل کرد و ادامه داد: «چه پسر کوچولوی قشنگی! بیا شربت آلبالو و سیب بخور تا گرم شوی» (پسرک شرور، مترجم: بهمن رستم آبادی).

۲-۳-۷. به روزرسانی

در این رویکرد مترجم ساختارها و واژه‌های کهن متن مبدأ را با ساختارهای رایج امروزی جانشین می‌کند.

ادبیات داستانی بزرگسالان برخلاف ادبیات کودکان در نظام چندگانه‌ی ادبی جایگاه مرکزی داشته و این مطلب بر روش‌های ترجمه بسیار تاثیرگذار بوده است؛ به‌گونه‌ای‌که مترجمان ملزم به رعایت سبک نویسنده و سبک متنی اثر به طور هم‌زمان

www.SID.ir

هستند؛ به سخن دیگر، مترجمان باید در قالب ملزومات سبکی هر نویسنده به عنوان یک فرد متفاوت و همچنین ملزومات ادبی هر نوع ادبی به ترجمهی اثر دست بزنند. درنتیجه، کاربرد روشهایی مانند اقتباس، دگرگونی شکلی، خلاصه کردن، بسطدادن، به روزرسانی، تصفیه، شرحدادن و غیره که در ترجمهی ادبیات داستانی کودکان بسیار رایج است در ترجمهی ادبیات بزرگسالان پذیرفتنی نیست. علاوهبراین، نگرش کلی سادگی متن ادبیات کودکان در ادبیات بزرگسالان رایج نیست و بالعکس. بسیاری مانند نیومارک[1] (۱۹۸۸) بر این عقیدهاند که ترجمهی ادبیات داستانی بعد از ترجمه شعر سختترین نوع ترجمه برای مترجمان است؛ چون سبک متن مبدأ، سبک نویسنده، خصوصیات زبانی متن مبدأ، ایدئولوژی و فرهنگ زبان مبدأ میتوانند برای مترجم چالشبرانگیز باشند (ر. ک. اویتن، ۲۰۰۰: ۵۲-۶۳).

۳. ترجمهی اسامی خاص شخصیتها در ادبیات کودکان

الکساندر کالاشنیکو[2] (۲۰۰۶) در بررسی نقش اسم در متون چنین اظهار میکند که حداقل نقش یک اسم نامگذاری شخصیت است؛ اما گاهی اسامی خاص شخصیتها، ویژگیهایی از شخصیت را نیز به ما مینمایند. این مطلب با طبقهبندی هرمان[3] با اسامی خاص سازگاری دارد. طبق این طبقهبندی اسامی را میتوان بهطورکلی به دو دستهی اسامی تثبیتشده و اسامی معنادار طبقهبندی کرد. اسامی تثبیتشده صرفاً نقش نامگذاری دارند و بر خصوصیت خاصی دلالت ندارند اما اسامی معنادار که به دو زیر مجموعهی تخیلی و واقعی دستهبندی میشوند، معانی فرهنگی یا تاریخی خاصی برای مخاطب تداعی میکنند. در ادبیات کودکان بسیاری از اسامی اسامی معنادار هستند که دقّت عمل بیشتری را از سوی مترجم میطلبند (ر. ک. میزانی، ۲۰۰۹: ۱۸-۲۳).

از نظر جیلنیانسکی و چیچلیته[4] (۲۰۰۹) ترجمهی اسامی خاص در ادبیات کودکان چالشهای خاصی را فرا روی مترجم قرار میدهد؛ چون اسامی در این متون به جنسیت، ریشههای تاریخی، فرهنگی یا جغرافیایی خاصی دلالت دارند. علاوهبراین

[1] Newmark
[2] Kalashnikov
[3] Herman
[4] Jaleniauskiene, Cicelyte

www.SID.ir

بازی‌های زبانی متفاوتی در این اسامی به‌کار می‌رود. از طرفی بسیاری مانند آگیرا[1] (۲۰۰۸) بر این عقیده‌اند که روش ترجمه‌ی اسامی خاص، درحقیقت بستگی به رویکرد بیگانه‌سازی یا بومی‌سازی از جانب مترجم دارد. منظور از رویکردهای بیگانه‌ساز، آن دسته از روش‌های ترجمه‌ای است که ساختار متن مبدأ را بر اساس ملزومات زبانی و فرهنگی جامعه‌ی مقصد تغییر نمی‌دهند. برخلاف رویکردهای بومی‌ساز که متن مبدأ را چنان با هنجارهای ادبی، زبانی و فرهنگی جامعه‌ی مقصد تطابق می‌دهند که خواننده‌ی مقصد متن را به عنوان متنی ترجمه شده قلمداد نمی‌کند؛ بلکه آن را متنی که به زبان مادری خود نوشته شده است می‌پندارد. به‌طورکلی مخاطبان ادبیات کودکان از لحاظ سنی به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند که عبارتند از: کودکان یک تا شش سال که توانایی خواندن ندارند، کودکانی که توانایی خواندن و نوشتن دارند و نوجوانان. هرچه سن مخاطب متن پایین‌تر باشد درک متن نیز برای وی دشوارتر است و در نتیجه روش‌های بومی‌ساز در ترجمه نیز رایج‌تر و مقبول‌ترند. اما ژان وان کولی[2] درباره‌ی چگونگی بررسی اسامی خاص ادبیات کودکان از جنبه‌ی عملکردی می‌نویسد: «اسامی مقدسند؛ البته نه در ادبیات کودکان که اقتباس و تطبیق اسامی با فرهنگ مقصد عادت رایج مترجمان است» (وان‌کولی، ۲۰۰۶: ۶۳). وی چهار نقش اصلی برای اسامی خاص بر می‌شمرد که عبارتند از: تمایز قائل‌شدن بین شخصیت‌ها، سرگرم‌کردن خوانندگان، انتقال اطلاعات و برانگیختن احساسات. به نظر کولی تقریباً، تمامی مترجمان کتاب‌های کودکان با این مسأله که چطور اسامی خاص شخصیت‌ها را ترجمه کنند روبه‌رو شده‌اند؛ به‌طوری که اگر بخواهند آن‌ها را بدون تغییر به زبان مقصد منتقل کنند امکان دارد معنای ضمنی متفاوت و در نتیجه تأثیر نامطلوبی در متن مقصد حاصل شود و یا این‌که کلمه بیش از حد برای خواندن دشوار شود. ماهیت اسم یا معنای ضمنی آن از جمله عامل‌های تأثیرگذار در رویکرد استفاده شده در ترجمه‌ی آن می‌باشد. آن دسته از اسامی که تلفظ دشواری دارند یا حفظ آن‌ها منجر به سردرگمی خواننده می‌شود بیش از سایر اسامی تغییر داده می‌شوند. از طرفی اسامی تخیّلی کم‌تر از اسامی انتخاب شده

[1] Aguilera
[2] Jan Van Collie

www.SID.ir

از دنیای واقعیت با اسامی دیگر جایگزین می‌شوند. کولی در نهایت ده رویکرد زیر را برای ترجمه‌ی اسامی خاص شخصیت‌ها برمی‌شمارد:

۳-۱. ترجمه‌نکردن، بازآفرینی، نسخه‌برداری

در این رویکرد، مترجم نام بیگانه را بدون تغییر به متن مقصد منتقل می‌کند. این رویکرد علاوه‌براین‌که نوعی تأثیر آشنایی‌زدایی یا بیگانه‌سازی در پی دارد، در مواردی هم که اسم شخصیت برگرفته از شغل یا خصوصیات فردی‌اش باشد هم‌ذات‌پنداری خواننده با شخصیت را دشوار می‌سازد.

Jeppe Janes cultivated his fields in summer. (Ib and Christian: Andersen)

جیپ جنز یکی از آن روستاییان بود، تابستان در مزرعه‌اش کار می‌کرد. (ایب و کریستین، مترجم: بهمن رستم آبادی).

۳-۲. ترجمه‌نکردن اسم خاص و افزودن توضیحات به متن

بنا بر نظر کولی مترجم در این رویکرد، اسامی بیگانه را دست‌نخورده به متن مقصد منتقل می‌کند و برای فائق‌آمدن بر خلأ اطلاعاتی خواننده در پاورقی یا در متن توضیحاتی مربوط به آن کلمه می‌افزاید.

'Why Rookery?' said Miss Betsey. 'Cookery would have been more to the purpose, if you had had any practical ideas of life, either of you.' (David Copperfield: Charles Dickens)

تو را به خدا. آخر چرا روکری؟ چرا کوکری نگذاشتید؟ کوکری بهتر نبود؟ اگر شعور داشتید منظورم هر دو شماست این اسم را می‌گذاشتید.*

** روکری لانه زاغان و کلاغان است و نویسنده خواسته است با این کلمه و کلمه کوکری به معنی آشپزخانه بازی کند.-م. (دیوید کاپرفیلد، مترجم: مسعود رجب‌نیا).*

۳-۳. جایگزینی اسم خاص شخصیت با اسامی عام در متن مقصد

گاهی مترجم بافت متنی را به‌درستی به متن مقصد انتقال می‌دهد؛ اما نمی‌تواند کلمه‌ای به جای اسم خاص در متن مبدأ برگزیند که بتواند بار عاطفی کلمه‌ی متن مبدأ را

Archive of SID

www.SID.ir

بازآفرینند؛ از همین رو، آن اسم خاص را با اسم عام جایگزین می‌کند. در مثال زیر مترجم از این رویکرد استفاده کرده است:

The hen had very short legs, so she was called "Chickie short legs." (Ugly Duckling: Andersen)

مرغ پاهای کوتاه داشت و پیرزن او را خانم پا کوتاهه صدا می‌کرد (جوجه اردک زشت، مترجم: بهمن رستم آبادی).

۳-۴. انطباق اسم خاص متن مبدأ با قواعد واجی آوایی زبان مقصد

مترجم در این رویکرد اسم خاص متن مبدأ را طبق قواعدآوایی و واجی زبان مقصد در متن مقصد آوانگاری می‌کند. در مثال زیر مترجم اسم Omer را به صورت عمر در فارسی آوانگاری نموده است و در پانویس چنین آورده است:

نام Omer را با املای عمر از این جهت نوشتیم که خود به خود به ضم اول خوانده شود.- م.

.... shop in a narrow street, on which was written OMER, DRAPER, TAILOR, HABERDASHER, FUNERAL FURNISHER, &c. (David Copperfield: Dickens)

بالای آن نوشته شده بود فروشگاه بزّازی و خیّاطی و خرّازی و لوازم سوگواری و غیره عمر. (دیوید کاپرفیلد، مترجم: مسعود رجب‌نیا)*

۳-۵. جایگزینی اسم خاص با اسم خاص معادل در زبان مقصد

برخی اسامی خاص به افراد مشهوری ارجاع پیدا می‌کنند که به لحاظ ادبی یا تاریخی شناخته شده‌اند و در زبان‌های متفاوت معادل‌های تعیین‌شده‌ای دارند و مترجم می‌تواند آن‌ها را جایگزین اسم مبدأ کند. طبق این رویکرد مترجم در مثال زیر اسم انگلیسی Gryphon را با شیردال در فارسی جایگزین نموده است.

Gryphon (Alice Adventures in Wonderland: Lewis Carrol)

شیردال (نگاهی دیگر بر آلیس در سرزمین عجایب، مترجم: حسن هاشمی میناباد).

Archive of SID

www.SID.ir

۳-۶. جایگزینی اسم خاص متن مبدأ با نامی آشناتر از فرهنگ مبدأ یا نامی با عملکرد یکسان و آشنا برای ملل متفاوت

مترجم با کاربرد این رویکرد، بیش از آنکه به مؤلّفههای زبانی متن مبدأ پایدار بماند، به پذیرش معادل انتخاب شده از جانب خوانندگان مقصد گرایش دارد؛ برای نمونه، در ترجمهای نام «*سیلین دیون*» معادل «*براسنز*» انتخاب شد. اگرچه بار معنایی کلمه دچار تغییر آشکاری شده است اما ویژگی اصلی اسم خاص مبدأ یعنی «خواننده» در متن مقصد حفظ میشود. نام آمور به لحاظ بینالمللی برای خوانندگان متفاوت آشناتر است پس مترجم آن را به عنوان معادل اسم مبدأ ترجیح داده است.

"My name is Cupid," he answered. "Don't you know me? There lies my bow. I shoot with that, you know. (The Saucy Boy: Andersen)

پسرک گفت: آمور! تو مرا نمیشناسی. ببین تیر و کمان دارم و تیراندازی هم میکنم (پسرک شرور، مترجم: بهمن رستم آبادی).

۳-۷. جایگزینی اسم مبدأ با نامی دیگر از زبان مقصد (جانشینی)

در این رویکرد، مترجم اسم مبدأ را در فرهنگ مقصد ادغام میکند و نام مدّ نظر دچار تغییر میشود، بدون آنکه عملکرد متفاوتی را منتقل سازد. این روش مانند روش قبل در ترجمهی اسامی شناخته شده بهکار میرود؛ درحالیکه مترجم به مؤلّفههای معنای ارجاعی و معنای ضمنی مربوط به بافت دقّت میکند.

According to a wild legend in our family, he was once seen riding on an elephant, in company with a Baboon; but I think it must have been a Baboo - or a Begum. (David Copperfield: Charles Dickens)

بنا بر یکی از روایات بیاساس که در خانواده ما بر سر زبانها بود او را دیده بودند بر فیلی که یک بابون هم همراه داشت. ولی به نظر من در این روایت تحریفی دست داده است و همراه او نه بابون بلکه بیبی یا بیگم بوده (دیوید کاپرفیلد، مترجم: مسعود رجبنیا).

Archive of SID

www.SID.ir

۳-۸. معادل‌یابی

در مواردی که اسم مبدأ متضمن معنای ضمنی خاصی است، مترجم برای حفظ کارکرد این اسم، همان معنای ضمنی را در زبان مقصد معادل‌یابی و بازآفرینی می‌کند به گونه‌ای که معادل معنای ضمنی و تحت‌اللفظی یکسانی به خواننده‌ی مقصد القا کند. نمونه‌های زیر از این دسته‌اند:

Dormouse (Alice Adventures in Wonderland: Lewis Carrol)
موش زمستان خواب (نگاهی دیگر بر آلیس در سرزمین عجایب، مترجم: حسن هاشمی میناباد).

Hatter (Alice Adventures in Wonderland: Lewis Carrol)
کلاهدوز (نگاهی دیگر بر آلیس در سرزمین عجایب، مترجم: حسن هاشمی میناباد).

March Hare (Alice Adventures in Wonderland: Lewis Carrol)
خرگوش بهارمست (نگاهی دیگر بر آلیس در سرزمین عجایب، مترجم: حسن هاشمی میناباد).

۳-۹. جایگزینی اسم مبدأ با یک نام در زبان مقصد که معنای ضمنی متفاوتی دارد

در این رویکرد مترجم معنای ضمنیی در اسم خاص مقصد به عنوان معادل می‌گنجاند که در متن مبدأ آشکارا یا به شکل غیرمستقیم به آن اشاره‌ای نشده است.

The tom cat, whom the mistress called, "My little son," was a great favorite". (The Ugly Ducklig: Andersen)
پیرزنی با گربه و مرغش در آن‌جا زندگی می‌کرد. پیرزن، گربه را بزرگ‌مرد کوچک می‌نامید (جوجه اردک‌زشت، مترجم: بهمن رستم‌آبادی).

۳-۱۰. حذف‌کردن

این رویکرد آخرین راه روبه‌رو شدن با اسامی متن مبدأ است و درباره‌ی اسم‌هایی اعمال می‌شود که بازی لغوی موجود در آن‌ها «ترجمه‌ناپذیر» است. مانند نمونه پایین که در آن واج‌آرایی مدّ نظر نویسنده برای مترجم مشکل‌ساز بوده است و در ترجمه منظور نشده است: *Little Tiny or Thumbelina (Andersen)*

Archive of SID

www.SID.ir

الیزا شستی (ترجمه: بهمن رستم‌آبادی).

۴. نتیجه‌گیری

ادبیات داستانی کودکان و بزرگسالان، نه تنها در محتوا، بلکه در ساختار ادبی نیز با یکدیگر تفاوت‌های آشکاری دارند؛ به‌گونه‌ای‌که در ادبیات کودکان سبک، پیچیدگی‌های لغوی، طول جمله‌ها، ساختار دستوری و درون‌مایه، زیرتأثیر عواملی مانند سن و سطح دانش مخاطب هستند و در مقابل ادبیات داستانی بزرگسالان پیچیدگی کم‌تری دارند. این سادگی ظاهری ادبیات کودکان بر جایگاه آن در نظام چندگانه‌ی ادبی تأثیر گذاشته است؛ به گونه‌ای که ادبیات کودکان در این نظام جایگاهی حاشیه‌ای دارد. چنین جایگاهی باعث شده است که مترجمان، این متون را به آسانی مورد اقتباس، دگرگونی شکلی، شرح، بسط، حذف، به روزرسانی، تصفیه، اقتباس بافت فرهنگی و برخی روش‌های بومی‌ساز دیگر قرار دهند. درحالی‌که جایگاه مرکزی ادبیات بزرگسالان، به لحاظ پیچیدگی‌های ساختاری و ادبی در نظام چندگانه‌ی ادبی دقّت عمل بیش‌تر مترجمان را در پی داشته شده است؛ به‌گونه‌ای که روش‌های بیگانه‌سازی مانند ترجمه‌های تحت‌اللفظی، بر روش‌های آزادی مانند اقتباس ترجیح داده می‌شوند. گفتنی است که در ادبیات کودکان متون چند وجهی‌ای وجود دارند که مانند ادبیات بزرگسالان جایگاه مرکزی در نظام چندگانه‌ی ادبی دارند و مترجمان، رویکردهای اقتباسی را برای آن‌ها کم‌تر به کار می‌برند.

«اسامی خاص در ادبیات کودکان غالباً از نوع اسامی معنادار به تعبیر هرمان هستند» (درمیزانی و مرتهن، ۲۰۰۸: ۱۸) و از همین‌رو، مترجمان روش‌های متفاوتی برای ترجمه‌ی آن‌ها به‌کار می‌گیرند. درحالی‌که در ادبیات بزرگسالان صرف نظر از آثار تمثیلی، بیش‌تر اسامی خاص از نوع اسامی تثبیت شده می‌باشند که معمولاً با روش انتقال در زبان مقصد بازآفرینی می‌شوند. در مقاله‌ی حاضر ده روش متفاوت برای ترجمه‌ی اسامی خاص در ادبیات کودکان معرفی شده است که لزوماً در ترجمه‌ی ادبیات بزرگسالان به‌کار گرفته نمی‌شوند.

Archive of SID

www.SID.ir

فهرست منابع

دیکنز، چارلز. (۱۳۶۷). *سرگذشت دیوید کاپرفیلد*. ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: سپهر

کریستن اندرسون. هانس. (۱۳۸۳). *قصه‌های هانس کریستن اندرسون*.ترجمه‌ی بهمن رستم‌آبادی، تهران: محراب قلم.

هاشمی میناباد، حسن. (۱۳۷۷). *نگاهی دیگر بر آلیس در سرزمین عجایب*. تهران: چامه.

Andersen, H. (1870). Fairy tales. Retrieved 10 November 2009 from http://hca.gilead.org.il

Aguilera, E. (2008). *The translation of proper names in children literature*. Retrieved 6 September 2010 from http://ler. Letras. up. pt/ uploads/ ficheiros/4666.pdf.

Carroll, L. (1865). "Alice adventures in wonderland". Retrieved 10 November 2009 from http://www.literature.org/authors/ carroll-lewis/alices-adventures-in-wonderland/

Collie, J. V. and Verschueren, W. P. (2006). *Children literature in translation: challenges and strategies.* UK: St. Jerome Publishing

Dickens, ch. (1850). "David copperfield". Retrieved 8 December 2009 from http://www.online-literature.com/dickens/ copperfield

Jaleniauskiene, E& Cicelyte. (2009). "The strategies for translating proper names children literature". *Studies about language*. Retrieved 6 September 2010 from http://www.Kalbos.lt/Zarnalai/15 numeris/06.pdf

Kalashnikov, A. (2008). "Proper names in translation of fiction". *Translation Journal.* Retrieved 6 September 2010 from http://translationjournal.net/journal/35 proper names.htm

Klinberg, G. (1986). *Children's fiction in the hands of the translators*. Lund: CWK Gleeerup

Lotman, J. (1976). "The content and structures of the concept of literature."' *PTL: A Journal for Descriptive Poetics and Theory of Literature. Vol (1) No(*2) :339-56.

Mizani, S. & Mortahan, M. (2009). "Proper name and translation". *Translation Journal.* Retrieved 6 September 2010 from http://translationjournal.net/ journal/45 proper. htm.

Archive of SID

www.SID.ir

Newmark, Peter. (1988). *A Textbook of Translation.* London: Prentice Hall

Oittinen, R. (2000). *Translating for children.* New York and London:Garland Publishing, Inc.

Shavit, Z. (1986). *Poetics of children literature.* Athens and London: University of Georgia Press.

Venuti, L. (1995). *The translator`s invisibility: a history of translation.* London and New York: Routledge.

Archive of SID

www.SID.ir